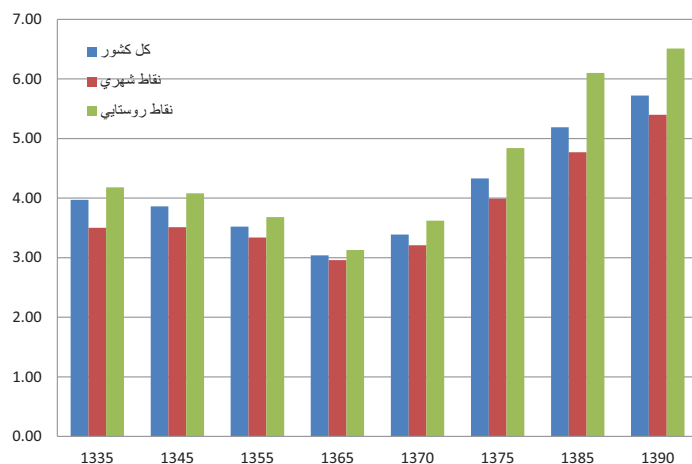


روند شاخص میزان سالخوردگی جمعیت
(نسبت جمعیت 65 سال و بالاتر به کل جمعیت)



تشکل‌های کارگری روبه‌رو بوده، انجام آن اجتناب‌ناپذیر بوده و به امری ضروری تبدیل شده است.

متأسفانه در کشور ما نه فقط این موضوع اصلاح نشده که در مقاطعی با تصویب و اجرای قوانینی نظیر بازنشستگی‌های پیش از موعد، روند روبه‌رشد سالخوردگی برای صندوق‌های بازنشستگی تشدید نیز شده است. از جمله این قوانین می‌توان به مصوبات سال ۸۶ مجلس و دولت درباره اجرای قانون بازنشستگی پیش از موعد، کسورات ناشی از بازنشستگی پیش از موعد در ازای اشتغال جدید در سال ۸۲ و مستمری ارفاقی ناشی از بازنشستگی پیش از موعد مؤسسات دولتی در سال ۸۷ اشاره کرد. در این زمینه نهاد قانون‌گذار

ایرانی نه فقط قدمی در جهت رفع این معضل جهانی صندوق‌های بیمه‌گر برنداشته، این مشکل را به بحران نیز تبدیل کرده و عملاً با وضع قوانین ذکرشده، برخلاف رسالت اصلی خود عمل کرده است.

درواقع در ایران، نه فقط مقوله روند سالخوردگی جمعیت و تأثیر آن بر پایداری صندوق‌های بیمه بازنشستگی به‌طور کلی فراموش شده است که استفاده ابزاری از مقوله بازنشستگی و سیاسی‌کاری در این زمینه باعث شده پایداری صندوق‌ها با تهدید جدی مواجه شود و اتکا به درآمدهای نفتی سبب شده کاهش سن بازنشستگی و دوران بیمه‌پردازی به ابزاری سیاسی در جهت تأمین اغراض گروه‌های خاص تبدیل شود و با هزینه‌کردن از درآمدهای نفتی فعلی و صدا البته با هزینه‌کردن از جیب بیمه‌پردازان فعلی، آینده صندوق‌ها تهدید شود و این اصل قطعی که صندوق‌های بیمه‌گر باید تعادل مالی داشته باشند، نادیده گرفته شود. این در حالی است که براساس اصول و قواعد تأسیس صندوق‌های بیمه بازنشستگی لازم است مطالعات جمعیت‌شناسی همواره مورد توجه قرار بگیرد و به‌تدریج و براساس فرمول ثابتی حداقل سن بازنشستگی و دوران بیمه‌پردازی به تناسب افزایش امید به زندگی افزایش یابد و نسبت تعداد سال‌های مستمری‌پردازی به تعداد سال‌های دریافت حق بیمه همواره ثابت بماند.

البته بدیهی است که طرح این مسئله در کوتاه‌مدت موجب نارضایتی عمومی می‌شود، ولی می‌توان، با ایجاد فضای گفت‌وگو، عمومی، نسبت به ایجاد روشن‌گری اقدام و واقعیات روز جوامع بشری را، فارغ از جهت‌گیری‌های سیاسی، تشریح کرد. به بیان بهتر، بین نسلی بودن منابع صندوق‌های بیمه‌گر هرچند در نگاه اول قابل‌درک به نظر می‌رسد، پذیرش مصائب آن امری است نیازمند مفاهیم‌های عمومی در فضای سیاست‌زده جامعه. شاید اولین رکن پیش‌نیاز این موضوع افزایش سطح اعتماد عمومی به نهادهای حاکمیتی و پذیرش نمایندگان مجلس و دولت، به‌عنوان وکلای قابل و متخصص از سوی مردم، باشد.

به زندگی شده، بازبینی قاعده اصلی بازنشستگی را نمی‌طلبید؟ در نهایت مبانی قاعده مذکور که از فرط سادگی نیازی به تعمق نداشته، چگونه متحول شده است؟ در اولین نگاه سن امید به زندگی در جامعه ایران از کمتر از ۶۰ سال به بیش از ۷۰ سال رسیده است که بدیهی است فقط به دلیل همین تغییر، کل تعهدات صندوق‌های بازنشستگی حداقل دوبرابر بیشتر شده است. (لازم به ذکر است که در این مرحله همه این محاسبات در ساده‌ترین حالت و با فرض تورم صفر درصدی است.) به این ترتیب، همین تغییر ساده کافی است که صندوق را با کسری مواجه کند. جدول و نمودار شاخص میزان سالخوردگی جمعیت که برگرفته از سرشماری‌های عمومی بوده، شاهد این مدعا است.

بدیهی است که در این مرحله مداخله قانون‌گذار برای اصلاح روند گذشته براساس تغییرات و تحولات تدریجی جامعه نیازی ضروری است؛ به این معنی که در وهله اول، فارغ از سایر عوامل تأثیرگذار و محاسبات و مفروضات دیگر اقتصادی، افزایش میزان سالخوردگی جمعیت، اصلاح قوانین بازنشستگی را می‌طلبید که متأسفانه کمتر مجلس و دولتی در دنیا به دلایل مشخص سیاسی به انجام آن تن می‌دهند؛ چراکه حتی طرح آن برای نمایندگان و دولتمردانی که در اوج محبوبیت هم هستند سبب کاهش اقبال عمومی می‌شود، چه برسد به اینکه این موضوع در جامعه‌ای طرح شود که به‌تناوب، اخبار متفاوتی از رانت‌خواری و مفاسد اقتصادی به گوش می‌رسد.

به هر حال، از منظر تغییرات ایجاد شده در ساخت سنی جوامع، نیاز به افزایش دوران بیمه‌پردازی و سن بازنشستگی با هدف حفظ تعادل صندوق‌های بازنشستگی کاملاً محسوس است. کمالینکه در بسیاری کشورها نظیر فنلاند، سوئد، نروژ، یونان و ایسلند حداقل سن بازنشستگی ۶۷ سال بوده و کشورهایی مانند هلند، آلمان، دانمارک و آمریکا برنامه‌ریزی کرده‌اند تا سال‌های آتی حداقل سن بازنشستگی را از ۶۵ به ۶۷ افزایش دهند. هرچند این موضوع در جوامع مختلف با اعتراض‌های

در واقع در ایران ما، نه فقط مقوله روند سالخوردگی جمعیت و تأثیر آن بر پایداری صندوق‌های بیمه بازنشستگی به‌طور کلی فراموش شده است، بلکه استفاده ابزاری از مقوله بازنشستگی و سیاسی‌کاری در این زمینه باعث شده که پایداری صندوق‌ها با تهدید جدی مواجه شود.